

رنال برد اما هوادارانش با سوت‌های شان از خجالت ژابی و وینی در آمدند

برنابئوی عصبانی!

داشت؛ روح وینی دیگر در مادرید نیست. اینکه او بلافاصله بعد از بازی، تمام خاطرات مادریدی‌اش را در فضای مجازی بایگانی می‌کند و به آغوش

هویت برزیلی‌اش پناه می‌برد (تغییر عکس پروفایل در شبکه‌های اجتماعی بسا پیراهن رئال به پیراهن تیم ملی برزیل)، نشان از یک تنهایی عمیق دارد. وینیسئوس در مادرید احساس خیانت می‌کند و هواداران مادرید در او احساس انحراف. آنها ستاره‌ای را می‌خواستند که برای پیراهن بچنگد، نه سلبریتی‌ای که هر بازی را به صحنه درگیری‌های شخصی تبدیل کند. وقتی او به سمت دوبی پرواز کرد، در واقع داشت از واقعیت تلخی فرار می‌کرد که در مادرید برایش ساخته شده بود؛ اینکه برنابئو، همان قدر که در تئوری مهارت دارد، در بت‌شکنی هم بی‌رحم است.

در این میان، ر کوردشکنی‌های کیلیان امپابه هم شبیه به چراغ‌های ننونی است که در یک خانه‌مترو که روشن شده باشند. او گل می‌زند، ر کورد رونالدو را جابه‌جایی می‌کند، اما آیا کسی برای او از ته دل فریاد می‌زند؟ امپابه در مادرید به یک کارمند عالی‌رتبه تبدیل شده است؛ کسی که وظیفه‌اش را به بهترین شکل انجام می‌دهد، اما پیوندی باریشه‌ها ندارد.

بلینگ‌هم دیگر آن پسر شادمان فصل پیش نیست. در چهره جود، نوعی خستگی مزمن دیده می‌شود. او که قرار بود رهبر نسل جدید باشد، حالا در تکتیک‌های سخت‌گیرانه ژابی گم شده است. تیم آلونسو شبه‌شب برد، اما این برد هیچ داستانی نداشت. هیچ بازگشت حماسی، هیچ فریاد پیروزی واقعی. فقط دو گل و سوت پایان و رختکنی که سکوتش سنگین‌تر از همیشه بود. ژابی آلونسو شبه‌شب در کنفرانس خبری از کنترل بازی حرف زد. اما او بهتر

خط کش و پرگار تاکتیکی‌اش صاف کند. اما شبه‌شب ثابت شد که مادرید، بیش از آنکه به هندسه نیاز داشته باشد، به شیمی نیاز دارد.

ژابی روی لبه تیغ راه می‌رود. او در کنار خط، مثل یک رهبر ارکستر ناامید ایستاده بود که نوازندگان‌ش نت‌ها را درست می‌زنند اما روح موسیقی را درک نمی‌کنند. تیم او شبه‌شب مالک توپ بود، پاس‌های کوتاه می‌داد، فضاها را می‌بست، اما قلب نداشت. برنابئو این را حس می‌کند. تماشاجی مادریدی، برده‌آمار نیست؛ او به دنبال آن لحظه جادویی است که خون را در رگ‌هایش به جوش بیاورد. وقتی در نیمه اول صدای سوت‌های اعتراضی بلند شد، این سوت‌ها رو به بازیکنان نبود، رو به ایده‌ای بود که می‌خواهد مادرید را به یک ماشین سرد تبدیل کند. ژابی حالا وقتی ژابی آلونسو با آن استایل مدبریت یک آتش‌فشان؛ اگر نتوانی فورانش را کنترل کنی، گداز‌های خودت را دوب می‌کند.

اما تراژدی اصلی در دقیقه ۸۳، قم خورد. تابلوی تعویض بالا رفت؛ شماره هفت؛ وینیسئوس جونیور. کسی که تا همین چند ماه پیش، نماد مقاومت و فریاد بلند برنابئو بود، حالا در میان طوفانی از سوت‌های ممتد خودی‌ها راهی رختکن می‌شد. این سوت‌ها، صدای خرد شدن یک رابطه عاشقانه بود. وینیسئوس شبه‌شب تصویری از یک ستاره تبعیدی را داشت. او که روزی با لیخنده‌هایش رقیبان را به زانو درمی‌آورد، حالا در چنبره حواشی خودساخته و فشارهای خردکننده گرفتار شده است. او تعویض شد نه به خاطر اینکه بد بازی کرده بود، بلکه به خاطر اینکه دیگر و صله تن‌این تیم نبود. نگاه‌های سرد او به نیمکت و آن خروج بی‌درنگ از ورزشگاه، پیامی واضح

آریا طاری

روی تابلو، اعداد دروغ نمی‌گفتند؛ رئال مادرید دو-سویا صفر. در دنیای خشک آمار، این یعنی سه امتیاز، یعنی تداوم تعقیب بارسلونا، یعنی بازگشت به جاده موفقیت. اما در اتمسفر سنگین سانتیاگو برنابئو در این شب دسامبر ۲۵، چیزی وجود داشت که در هیچ جدولی ثبت نمی‌شد؛ بوی تند یک فروپاشی عاطفی. شبه‌شب مادرید برد، اما پیروزی چنان طعم گسی داشت که حتی لیخنده‌های دیپلماتیک ژابی آلونسو هم نتوانست تلخی آن را پنهان کند. رئال مادرید به وضعیتی رسیده است که در آن، پیروزی دیگر شفا نمی‌دهد؛ پیروزی فقط مثل یک مسکن عمل می‌کند که درد یک زخم عمیق و عفونی را برای چند ساعت به تأخیر می‌اندازد. وقتی ژابی آلونسو با آن استایل بی‌نقص و پرستیز نجیب‌زادگان اسپانیایی قدم به برنابئو گذاشت تا جانشین کارلو آنچلوتی بزرگ شود، همه از نظم حرف می‌زدند. ژابی آمد تا آشفتگی‌های اواخر دوران کارلانو را با

شب به پایان رسید. برنابئو خالی شد. چراغ‌ها خاموش شدند. اما سولات بزرگی در سرهای مادر بدقی ماند.

وینیسئوس در راه دوبی است، شاید برای همیشه. ژابی در دفترش به نقشه‌های خیره شده که روی کاغذ درست اند
امادر زمین جان نمی‌گیرند و هواداران؟ آنها با حسی از پوچی به خانه رفتند

اتفاق روز

امپا به بارسیدن به رکورد رونالدو و تکرار خوشحالی اورسما تاج‌گذاری کرد

تغییر سلطنت در مادرید

نگار رشیدی

ساعت به وقت مادرید از ۲۳ گذشته بود، اما در قلب پتنده اسپانیا، هیچ‌کس به خواب فکر نمی‌کرد. شبه‌شب در سانتیاگو برنابئو، عصرهای زمان به عقب بازگشتند. در شبی که نیمه از ورزشگاه درگیر قهر و وینیسئوس و سوت‌های اعتراضی بود، کیلیان امپابه تصمیمی گرفت که فراتر از یک گل، یک بیانیه سیاسی-ورزشی بود. او در شب تولد ۲۷ سالگی‌اش، نه تنها با رکورد دست‌نیافتنی کریستیانو رونالدو برابر ی کرد، بلکه با تکرار مشهورترین شادی گل تاریخ فوتبال، رسماً اعلام کرد که وارث برحق تخت و تاج پادشاه پرتغالی است.

بازی رئال مادریدو سویا به دقایق پایانی رسیده بود. رئال یک بر صفر جلو بود، اما جو ورزشگاه سنگین و غصه‌ی به‌نظر می‌رسید. وقتی داور نقطه پناالتی نشان داد، تمام نگاه‌ها به سمت شماره ۱۰ کهکشانی‌ها چرخید. کیلیان امپابه پشت توپ ایستاد؛ در چهره او اثری از اضطراب یک جوان ۲۷ ساله در شب تولدش نبود. او با خون‌سردی یک جراح، توپ را به تور چسباند تا پیروزی دو بر صفر را قطعی کند. اما آنچه پس از لرزش تور اتفاق افتاد، برنابئو را به مرز انفجار رساند. امپابه به سمت گوشه زمین دوید، به هوا برخاست، در میان زمین و آسمان چرخید و با فریاد «SIUUU» و آن فرود نمادین، ادای احترامی تمام‌عیار به بت دوران کودکی‌اش، کریستیانو رونالدو کرد. این حرکت، فقط یک شادی گل نبود؛

چهره به چهره

نبرد مهم آسیایی تراکتور از راه رسید

تی‌تی‌ها به دنبال جشن دوم

تراکتور بعد از قهرمانی تاریخی‌اش در فصل گذشته لیگ بر تر، فرصت حضور در سوپر جام و لیگ نخیکنان آسیا را به دست آورد که سرخ‌پوشان تیریزی توانستند با ثبت کامیک مقابل استقلال، فاتح سوپر جام شوند و حالا به دنبال آن هستند تا در لیگ نخیکنان آسیا هم بتوانند عرض اندام کنند و به مراحل بالاتر بروند. با توجه به قرعه‌کشی انجام شده، تراکتور از رویارویی با حریفان عربستانی در مرحله گروهی معاف شده و شاگردان درآگان اسکوچیچ برابر رقبای خود توانسته‌اند کارنامه‌ای درخشان از خود به جای بگذارند.



رئال مادرید شبه‌شب ثابت کرد که بزرگ‌ترین دشمنش نه سویا بود و نه بارسلونا؛ بلکه تکرار بدون لذت است. مادرید به آرامش نمی‌رسد، چون پیروزی‌هایش دیگر بوی فتح نمی‌دهند، بوی انجام وظیفه می‌دهند. در مادریدی که ستاراش عکس‌هایش را پاک می‌کند و هوادارانش قهرمان‌شان را هومی‌کنند، هیچ جامی نمی‌تواند جای خالی احترام و عشق را پر کند.

شاید این پیروزی، تلخ‌ترین دو بر صفر تاریخ مدرن باشگاه بود. شبی که مادرید برد، اما خودش را در میان سوت‌ها و قهرا گم کرد. ژابی آلونسو شاید نابغه باشد، اما او هنوز نمی‌داند که در این باشگاه، برای زنده ماندن، باید فراتر از یک مربی بوده؛ باید یک کیمیاگر بود که بتواند مس‌این رابطه‌های رنگ‌زده را به طلای همدلی تبدیل کند. فعلاً، مادرید قصری است زیبا، اما یخی؛ که در آن حتی با بردهم کسی گرم نمی‌شود.

شد. چراغ‌ها خاموش شدند. اما سولات بزرگی در سرمای مادرید باقی ماند. وینیسئوس در راه دوبی است، شاید برای همیشه. ژابی در دفترش به نقشه‌هایی خیره شده که روی کاغذ درست‌اند اما در زمین جان نمی‌گیرند و هواداران؟ آنها با حسی از پوچی به خانه رفتند.

شاید این پیروزی، تلخ‌ترین دو بر صفر تاریخ مدرن باشگاه بود. شبی که مادرید برد، اما خودش را در میان سوت‌ها و قهرا گم کرد. ژابی آلونسو شاید نابغه باشد، اما او هنوز نمی‌داند که در این باشگاه، برای زنده ماندن، باید فراتر از یک مربی بوده؛ باید یک کیمیاگر بود که بتواند مس‌این رابطه‌های رنگ‌زده را به طلای همدلی تبدیل کند. فعلاً، مادرید قصری است زیبا، اما یخی؛ که در آن حتی با بردهم کسی گرم نمی‌شود.

مشکل ژابی این است که او تیمی را تحویل گرفته که از لحاظ عاطفی تخلیه شده است. جدایی از سایه سنگین و پدرانه آنچلوتی و افتادن به دام یک سیستم خشک و وظیفه‌محور، بازیکنان را به ربات‌هایی تبدیل کرده که فقط با واقعیتی روبه‌رو است که شاید در لوکوزن هرگز تجربه نکرده بود؛ اینکه در مادرید، گاهی پیروز شدن، شروع یک بحران جدید است. او شبه‌شب برد، اما جایگش لرزان‌تر از همیشه به نظر می‌رسد، چون او نتوانست شادی را به برنابئو برگرداند.

شب به پایان رسید. برنابئو خالی شد

امپابه با عدد ۵۹ و آن پرش نمادین، به تمام بحث‌ها خاتمه داد.

نمی‌توان از درخشش امپابه نوشت و به سایه سنگین وینیسئوس اشاره نکرد. شبه‌شب تضاد عجیبی در برنابئو حکم‌فرما بود. هواداران در حالی که امپابه را برای رکوردشکنی‌اش تشویق می‌کردند، دقایقی قبل وینیسئوس را هو کرده بودند. امپابه نشان داد که راه‌نقذ به قلب مادریدستاره‌ها به پایانه‌های حجتالی، بلکه با گلزنی و احترام به اسطور مهاست. او در شبی که تیم تحت فشار بود، مسئولیت را پذیرفت و در حالی که تمام حواشی پیرامون او (از جمله پرونده‌های حقوقی در فرانسه) می‌توانست تمرکزش را به هم بزند، او با تمرکز کمی پولادین فقط به تور دروازه فکر کرد.

با پایان یافتن بازی‌های سال ۲۰۲۵، امپابه حالا مدعی شماره یک توپ طلای بعدی است. او با ۵۹ گل، صدرنشین بلامنازع گلزنان جهان در این سال است. ژابی آلونسو در پایان بازی درباره‌او گفت: «کیلیان یک حرف‌های به تمام معناست. اومی داند چه زمانی باید سکوت کند و چه زمانی باید با پاهایش حرف بزند. ر کورد او نتیجه‌ذهنی است که فقط در بازیکنان بزرگ دیده می‌شود.»

رئال مادرید با این برد و یادارخشش امپابه، سال‌رادر یک‌قدمی بارسلونا به پایان برد. اما مهم‌تر از جدول لالیگا، رئال مادرید شبه‌شب هویت جدید خود را پیدا کرد. هویتی که دیگر حول محور رقص‌های وینیسئوس نمی‌چرخد، بلکه با دقت نظامی

امپابه و سایه ماندگار رونالدو تعریف می‌شود.

پایان یک سال، آغاز یک امپراتوری. امپابه شبه‌شب نه تنها به سوا گل‌ان زد، بلکه به تمام تردیده‌ها پایان داد. او ثابت کرد که سانتیاگو برنابئو، خانه اوست و او، تنها کسی است که جرأت دارد شغل سنگین شماره هفت اسطورهای را (حتی با شماره ۱۰) بر تن کند.

که همیشه به من انگیزه داده است.» این جملات

در حالی بیان شد که رختکن رئال درگیر بحران وینیسئوس است. امپابه با این رفتار، خود را به عنوان رهبر حرفه‌ای و پسر خوب باشگاه معرفی کرد. در حالی که وینی با قهر زمین را ترک کرد، امپابه با احترام به تاریخ باشگاه، دل هواداران شاک‌ای را به دست آورد.

حواشی ایسن ر کورد به مستطیل سبزر محدود نماند. دقایقی پس از بازی، کریستیانو رونالدو با انتشار کامنتی زیر پست اینستاگرامی امپابه، به این اتفاق واکنش نشان داد. رونالدو نوشت: «تبریک بابت رکورد و تولدت کیلیان. خوشحالم که این میراث در دستان درستی است. به درخشیدن ادامه بده.» ایسن واکنش صمیمانه، به سرعت در فضای مجازی و اپرال شد. هواداران رئال این را یک تغییر سلطنت رسمی می‌دانند. اگر ن‌ادیروز بحث بر سر این بود که چه کسی ستاره اول تیم است، شبه‌شب

که یک بر ده بر صفر و یک تساوی سه-سه نصیب‌شان شد. نگاهی به آمار و ارقام نشان می‌دهد تراکتور تجربه رویارویی با الغرافه، لخوا و الجیش را هم در مسابقات آسیایی دارد. البته چ‌ا اشاره داشت که الدحیل تیمی متشکل از ادغام دو باشگاه لخوا و الجیش است! تراکتور برابر الغرافه دو باخت سه بر یک و سه بر صفر را تجربه کرده و مقابل لخوا و الجیش هم کارنامه سرخ‌پوشان قابل قبول نیست.

تراکتور در لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۱۴، با باخت یک‌گله و تساوی صفر-صفر را مقابل لخوا پذیرفت و در لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۱۳ هم سرخ‌پوشان یک تساوی سه-سه را مقابل الجیش تجربه کردند و باختی چهار بر دو را هم مقابل این تیم متحمل شدند. شاگردان اسکوچیچ با تکیه بر تجربیات قبلی امیدوارند که بتوانند در دیداری خانگی برابر الدحیل که بی‌شک در حضور پرشمار هواداران‌شان برگزار خواهد شد، حریف قطری را شکست بدهند تا هم کارنامه خود برابر حریفان قطری را درخشان‌تر کنند و هم مقتدرانه به مرحله بعدی لیگ نخیکنان آسیا برسند. سرخ‌پوشان در مواجهه با لخوا و الجیش تجربه پیروزی ندارند و حالا امید دارند که مقابل تیمی که ادغام‌شده این دو تیم است بتوانند برنده شوند!

داور خوش‌یمن برای تیریزی‌ها

این جدال مهم را یوسو که آرکی، داور ۳۹ ساله اهل ژاپن سوت می‌زند. چون مهپار به همراه کوتاواتانابه، کمک‌های اول و دوم او خواهند بود و کوکی ناگامینه به عنوان داور چهارم انتخاب شده. ضمن آنکه ریو تانیموتو هم داور «VAR» مسابقه است. آرکی جزو داوران شناخته‌شده فوتبال آسیا محسوب می‌شود که هم تجربه قضاوت برای تیم‌های ایرانی و هم البته تیم‌های قطری را دارد. باارخوانی کارنامه او نشان می‌دهد که یوسو که آرکی بیشترین قضاوت را برای تیم ملی ایران داشته است؛ آن‌هم در مسیر رسیدن به جام جهانی ۲۰۲۶. ملی‌پوشان با قضاوت آرکی تجربه کسب پیروزی پنج گله مقابل تر کمئسان، برد یک‌گله در جدال با قزیرستان و پیروزی چهار بر یک مقابل قطر را در کارنامه خود دارند تا داور خوش‌یمنی برای تیم ملی ایران باشد.

تراکتور نسخه ادغام‌شده لخوا و الجیش را می‌برد؟

شاگردان اسکوچیچ فصل گذشته در لیگ قهرمانان آسیا ۲ باالو کره هم گروه بودند